

مقاله پژوهشی

بررسی و تطبیق نیارشی دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر در روستای بابالنگر

فاطمه نورآبادی^۱، جواد شکاری نیری^۲، سجاد مؤذن^{۳*}

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد در رشته مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی گرایش حفاظت و مرمت میراث معماری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

۲- دانشیار گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

۳- استادیار گروه مرمت دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

موضوع پژوهش این مقاله بر مطالعه دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر واقع در روستای بابالنگر از توابع استان خراسان رضوی متمرکز است که نسبت به دیگر آثار موجود روستا، در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند. این دو بنا از لحاظ فرهنگی و طبیعی در بستری غنی از ابنیه تاریخی در جوار خود بهره‌مند بوده اما تاکنون مورد بررسی و شناخت دقیق قرار نگرفته‌اند. چگونگی نیارش بناهای مورد بحث و دوره‌ها، ساختارهای تاریخی و بانیان احتمالی، پرسش‌های این پژوهش بود. شناخت هر چه بیشتر این دو آرامگاه موجب تصمیم‌گیری‌های مؤثرتری در آینده برای رفع آسیب‌ها و همچنین ماندگاری آن‌ها خواهد بود. تطبیق نیارشی دو آرامگاه که هدف این پژوهش است، در مرحله‌ی نخست با مستند نگاری دو آرامگاه و مطالعه‌ی پیشینه تاریخی آن‌ها و سپس با بررسی دوره بندی و الحاقات ابنیه و مقایسه با همدیگر برای حصول نتایج مورد انتظار صورت پذیرفت. با استفاده از روش‌های گردآوری و مطالعات اسنادی و میدانی، ویژگی‌های دو آرامگاه بررسی شد. مطالعات اسنادی شامل مطالعه کتاب‌ها، سفرنامه‌ها، وقف نامه‌ها، عکس‌ها، مقالات، مجله‌ها و نشریات، پایان‌نامه‌های مرتبط و سایر موارد تحقیقاتی است. مطالعات میدانی نیز از طریق حضور و بازدید از سایت، رولوه و اصلاح نقشه‌ها و تهیه عکس انجام گرفته و همچنین مصاحبه و گفتگو با صاحب‌نظران، کارشناسان و اهالی منطقه بود. روند پژوهش مشخص کرد که دوره ساخت بنا، مربوط به عصر تیموری است و شخصی با لقب «بلقیس زمان» بانی آن بوده است. هسته اولیه آرامگاه‌ها، مقبره‌های چهار تاقی گنبددار با چهار بازو بوده که در دوره‌های بعد سه بازو بسته و دو ایوان در قسمت شرقی بنا اضافه شده است. نتایج بررسی‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو آرامگاه در نوع قوس‌ها و پلان و پوشش‌ها و فنون اجرا و مصالح را مشخص کرد. یافته‌های پژوهش، نشان داد که آرامگاه میرمطهر بافاصله زمانی از آرامگاه باباتوکل ساخته شده و ایرادات سازه‌ای قبلی، در آن رفع گردیده است.

تاریخ دریافت:

۴ آذر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۴ آبان ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

میراث روستایی
شناخت کالبدی
فنون ساخت
آرامگاه باباتوکل
آرامگاه میرمطهر

doi : 10.22034/ahdc.2023.19266.1703

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱ - مقدمه

مرگ و اعتقاد به زندگی پس از آن، باعث به وجود آمدن روش‌های متفاوت دفن مردگان شده است. در ایران مطابق آیین و سنن ادوار مختلف، به تدفین مردگان می‌پرداختند. در این بین، برای حفظ حرمت شخص متوفی و یا ابراز همدردی با بازماندگان، اقدام به ساخت آرامگاه می‌نمودند. بناهای تاریخی از جمله آرامگاه‌ها را می‌توان از لحاظ کارکرد بنا، تزیینات، فرم و شکل، سازه و فنون ساخت آن بررسی کرد. دوام و مقاومت این گونه بناها از گذشته تا به امروز، از موضوع‌های تحقیق برای پژوهشگران بوده است.

دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر از بناهای ارزشمند تاریخی روستای بابالنگر است. ویژگی‌های خاص زمین‌شناسی (مانند سنگ‌های قسیلی جانوران دریایی)، مناظر بکر از جمله وجود چشمه‌های آب فراوان، پناهگاه (سم) و درخت خشک (قورواقاج) و ابنیه تاریخی، موجب برجسته شدن روستای بابالنگر و بالأخص دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر شده است. این دو آرامگاه در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند و بافاصله کمی از هم در بخش شمالی روستا و در حصارسنگی قرار گرفته‌اند. آرامگاه‌ها با سبک معماری بومی و تکنیک‌های محلی دارای ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را منحصر به فرد کرده است؛ سادگی در پلان، نما و مصالح بوم‌آورد از جمله آن‌هاست.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی دوره ساخت و شناخت فنون ساخت آرامگاه‌های باباتوکل و میرمطهر و مقایسه آن‌ها با همدیگر است و مطالعه تغییر و تحولات در معماری این دو آرامگاه مربوط به یک دوره و از یک اقلیم، طی یک قرن است. با این نگرش که سبک‌های گوناگون معماری در نواحی مختلف کشور، از نظر فن اجرا و ساخت متفاوت هستند. دلیل پرداختن به این مسئله توجه به این اصل است که شناخت صحیح و آگاهی از سیر تحولات کالبدی بناهای تاریخی در امر حفاظت از آن‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی نقش اساسی دارد (غلامی، ۱۳۹۳: ۹۸). بدین سبب در این پژوهش به‌جز بررسی پیشینه تاریخی و مستند نگاری اجزا و فنون ساخت بنای آرامگاه‌ها، به مقایسه دو بنا برای تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های شیوه ساخت هر کدام از آرامگاه‌ها پرداخته می‌شود.

هدف غایی این پژوهش ارائه‌ی یک نمونه‌ی موردی تحلیلی برای یکی از مبانی مهم در امر فهم معماری ایرانی است؛ تحول و پیشرفت ساختاری جزئی لاینفک از سیر تحول معماری ایرانی است و رجوع به تجارب گذشته و درس‌آموزی از آن‌ها لازمه تحقق آن است. اهمیت پرداختن به این موضوع، نقش‌آفرینی تعدد دوره‌های مختلف ساخت و تنوع فنون مورد استفاده در ساخت یک بنا یا یک مجموعه در تدوین مبانی نظری مداخله، حفاظت و مرمت آثار تاریخی معماری است. شناخت وجوه کالبدی و ساختاری، فهم انسان امروز از اثر را شکل می‌دهد و همین فهم دلیل و چگونگی حفاظت را تعیین می‌کند.

۱-۱- روش تحقیق

در این پژوهش به بررسی مدارک مختلف مکتوب همچون وقف نامه و کتیبه و مشاهده میدانی و تحلیل اجزاء و عناصر سازه‌ای آرامگاه‌ها پرداخته می‌شود. پاسخ به سؤالاتی چون نظام ساخت آرامگاه‌ها و میزان تأثیر و الگوبرداری از یکدیگر و موارد جزئی‌تر بناها مثل نوع پوشش و تکنیک ساخت آن‌ها با روش توصیفی-تاریخی و تحلیلی و منطبق بر مطالعات میدانی و مشاهدات عینی صورت می‌گیرد. در بخش توصیفی-تاریخی، شناخت دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر بر اساس جمع‌آوری اسنادی چون کتیبه و وقف نامه و بازخوانی آن‌ها و مشاهدات میدانی و برداشت از بناها است. در قسمت تطبیقی، مقایسه‌ای بین دو آرامگاه بر پایه کیفیت نظام ساخت و فنون به‌کاررفته انجام می‌گیرد. بدین منظور نخست اطلاعات گوناگونی در مورد سازه اصلی و اولیه بنا، نوع قوس‌ها و تاق‌ها گردآوری شده و بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده مقایسه بین دو آرامگاه شکل می‌گیرد. در نهایت در بخش سوم اطلاعاتی حاوی چگونگی ساخت و وجوه مشترک در دو بخش معماری و سازه تحلیل و بررسی می‌شود.

۲-۱- پیشینه تحقیق

با وجود تعداد کم منابع تک‌نگاری در خصوص این دو آرامگاه، پس از بررسی مراجع مختصر این ابنیه، طبق موضوع و اهداف پژوهش، پیشینه تحقیق از سه جهت قابل‌بررسی است که در ادامه در قالب «ادبیات موضوع» به آن‌ها پرداخته می‌شود. منابع تاریخی که به این بناها اشاره داشته‌اند از این قرارند: اعتمادالسلطنه در «مطلع الشمس» (صنیع‌الدوله، ۱۳۰۱: ۱۰۰۲) تنها در خصوص جغرافیای تاریخی روستای بابالنگر و مزار حاجی توکل یاد کرده است. در کتاب «سفرنامه خراسان و سیستان» (بیست، ۱۳۶۵: ۳۴۹) که جنبه سیاسی دارد، مؤلف هر جا به آثار باستانی برخورد، به توصیف آن‌ها پرداخته است، اما در مورد روستای بابالنگر تنها به‌ظاهر آرامگاه‌ها از دور (دو مقبره سفید) اشاره کرده است. ایرج افشار نیز در کتاب «گلگشت در وطن» (افشار، ۱۳۹۶: ۱۵۸) به توصیف آرامگاه‌ها مبادرت نموده است. در جلد ششم کتاب «میراث اسلامی ایران» رسول جعفریان، این دو آرامگاه، به همراه رباط را به‌عنوان بناهایی صفوی محسوب داشته و چشمه آب‌معدنی در این محل که برای درمان امراض جلدی است را معرفی می‌کند (جعفریان، ۱۳۷۳: ۵۳۶ و ۵۷۲). این دو بنا در کتاب‌های «هزار مزار ایران، خراسان رضوی»، «آثار و ابنیه سبزوار» و «ماجرای خراسان» در حد شرحی که در پرونده ثبتی آمده، معرفی شده‌اند. بختیاری شهری (۱۳۷۴)، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد رشته باستان‌شناسی تحت عنوان «معرفی مجموعه تاریخی مذهبی بابالنگر در ارتباط با آثار تاریخی منطقه سرولایت نیشابور و دره یام سبزوار» به معرفی این مجموعه پرداخته که حاصل آن ثبت ملی این مجموعه تاریخی است. در کتاب «خوشاب» (۱۳۸۶) و «سلطان‌آباد نگین خوشاب» (۱۳۸۸) نوشته عبدالله‌زاده ثانی و ابراهیمی‌دوست، ضمن بررسی شهرستان خوشاب و روستاهای آن از لحاظ وضعیت منابع آب، زمین‌شناسی، مردم‌شناسی، راه ارتباطی، واحدهای مسکونی و اداری، پوشش گیاهی جاذبه‌های تاریخی، صنایع دستی و میراث فرهنگی و ارائه تصاویر از بخش‌های مختلف خوشاب به معرفی این دو آرامگاه از لحاظ فرم پلان و مصالح به‌کاررفته در بناها پرداخته شده که در بخش‌های مختلف مقاله به‌تناسب موضوع از آن استفاده شده است.

در فرهنگ جغرافیایی ایران (رزم‌آرا) روستای بابالنگر چنین معرفی شده است: «ده از دهستان سرولایت بخش سرولایت شهرستان نیشابور. کوهستانی - معتدل - سکنه ۱۷۴ - شیعه، فارسی. قنات - غلات، تریاک. شغل زراعت، کرباس‌بافی - راه اتومبیل‌رو». در فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، شهرستان سبزوار نیز آمده است که قدمت روستا طبق گفته اهالی به بیش از ده قرن می‌رسد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴، ۲۷۱).

انتخاب مکان جغرافیایی روستا، ناشی از عوامل طبیعی، اقتصادی و امنیتی است. بدین صورت که: ۱. در منطقه‌ای که تپه ماهوریست و اراضی مسطح محدود است، اولویت با اراضی زراعی و عامل تعیین‌کننده اقتصاد روستا بوده است. ۲. احتمال وقوع مخاطرات طبیعی چون سیلاب‌های بهاره نیز بر فراز تپه‌ها وجود ندارد. ۳. نبود امنیت در گذشته و نگرانی از غارت و چپاول نیز در انتخاب موقعیت مکانی روستا نقش بسیار مهمی داشته است (اسدی، ۱۳۹۳: ۵۱).

حسینی (۱۳۸۸) در راستای بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی، بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر به این نتیجه رسید که آغاز ساخت این مجموعه‌ها، در ارتباط مستقیم با شکل‌گیری جریان تصوف در قرن ۴ و ۵ هجری بوده است و این الگو مورد اقتباس مذهبیهون و امرا نیز قرار گرفت و ساخت این قبیل مجموعه‌ها تا دوره تیموری بیشتر در خدمت فرقه متصوفه و حاکمان و از دوره صفوی، بیشتر در خدمت مجموعه‌های منتسب به ائمه اطهار و امامزادگان قرار داشت.

پس از بررسی منابع مذکور مشخص شد که در آن‌ها دیدگاه فن‌شناسانه و تحلیل ساختار کالبدی و همچنین دوره بندی کالبدی-تاریخی این دو بنا و تحولات سازه‌ای آن‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. بر همین اساس تمرکز مقاله حاضر علاوه بر معرفی جامع روستا، ارائه مطالعه‌ای تطبیقی از سیر تحول نیارشی دو آرامگاه است.

۳-۱- ادبیات موضوع

الف) آرامگاه‌سازی در ایران: در خصوص پیشینه آرامگاه‌سازی و انواع آن در ایران پیش از اسلام و پس از اسلام منابع زیادی وجود دارد که در اینجا به‌صورت خلاصه بیان می‌شود. در ادب فارسی، آرامگاه به معنی وطن، جایگاه، مسکن، مهد

و قرارگاه به کار رفته و در دوران اخیر به معنای قبر، مدفن و بقعه بنا شده بر گور، عمومیت یافته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۸). در یک دسته‌بندی بناهای آرامگاهی به پنج دسته تقسیم شده‌اند: مقابر برجی، مقابر گنبدخانه‌ای، مقابر کوشکی، مقابر گسترده و مقابر مجموعه‌ای (وحدت‌طلب و قدیم‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۹). به‌طور کلی دو عامل عمده را می‌توان در ساخت بناهای آرامگاهی ایران در دوران اسلامی مؤثر دانست، یکی مهاجرت امامزادگان به ایران و دیگری گسترش تصوف و عرفان اسلامی (عابدی و دژند، ۱۳۹۷: ۴۹۸). آرامگاه‌های ایران از جهات مختلفی چون سیر تطور تاریخی، سازه و سبک معماری، مذهبی و غیرمذهبی بودن، اعتقادات و آداب‌ورسوم، اقلیم و جغرافیا و شخصیت‌های دفن شده قابل تقسیم‌بندی است و مورد پژوهش و توجه قرار می‌گیرد.

ب) دوره تیموری: تیموریان به ایجاد بناهای مذهبی و غیرمذهبی اهتمام ویژه‌ای داشتند و در این راستا از طرح و شیوه معماری متداول دوره‌های قبل بهره بردند (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۸). از جمله بناهای قابل توجه در دوره تیموری که هم‌زمان با ساخت بناهای باشکوه و متعددی چون مدارس و مساجد بنانهاده شد، آرامگاه‌ها بودند (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). دوره تیموری در مرحله تبدیل برج مقبره‌ها به مجموعه بناهای آرامگاهی قرار دارد، دوره‌ای که معماران آن تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از فرم‌های هندسی در پلان مقابر و نمونه مقابر قبلی، نوآوری‌هایی متفاوت از انواع قبلی به نمایش گذارند (طاووسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵). معماری دوره تیموری با بهره‌گیری از معماری دوره ایلخانی و سلجوقی و به‌کارگیری معماران و هنرمندان ایرانی به ساختار و اصول محکم و کاملی دست پیدا کرد و بناهای به‌جامانده از این دوره به‌خوبی این ویژگی‌ها را نشان می‌دهند، مانند عظمت‌گرایی، پیشرفت در انواع تزیینات، رشد و تعالی در فنون طاق‌زنی و طاق‌های متقاطع (رسولی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

ج) فن‌شناسی و فن ساخت: یکی از مهم‌ترین وظایف معماران و مرمتگران، بازخوانی و تحلیل روش‌ها و فنون سازه‌ای متنوع بناهای تاریخی است؛ چرا که بی‌شک، برای وارد شدن به مقوله شناخت، حفاظت و مرمت میراث معماری نیاز است تا در ابتدا با رویکرد علمی به این میراث نگریده و سپس آنالیز دقیقی از سازه بنا به عمل آید (هوشیار و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱). فنون ساده و در ظاهر پیش‌پا افتاده اجرایی در معماری سنتی، نکات فنی و کاربردی بسیاری را به همراه دارند (رحیم‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹).

۲- یافته‌ها

۲-۱- موقعیت آرامگاه‌ها و معرفی آن‌ها

روستای بابانگر، طبق تقسیمات جدید کشوری، جزو بخش مشکان شهرستان خوشاب در استان خراسان رضوی است. با تلخیص از کتاب «سرگذشت تقسیمات کشوری ایران ۱۲۸۵-۱۳۸۵» (فریدی‌مجید و ملک‌پور، ۱۳۸۸)، این روستا جزو ایالت سروالیت قوچان محسوب می‌شده که با تصویب ایجاد بخش سروالیت نیشابور در سال ۱۳۲۳ ه.ش توسط هیئت دولت وقت، بخش سروالیت با چهار دهستان تشکیل شد. دهستان یام در سال ۱۳۶۸ ه.ش و با تاسیس بخش خوشاب در شهرستان سبزوار از بخش سروالیت شهرستان نیشابور جدا شده و به شهرستان سبزوار ملحق شد. این روستا در ۴۵ کیلومتری شمال شهرستان خوشاب (۱۳۹۰) و ۸۵ کیلومتری شمال شرق شهرستان سبزوار، در حاشیه جاده سبزوار- خوشاب - قوچان و در دامنه کوه‌های ائقلان جای گرفته است (تصویر ۱).

برای دسترسی به دو مقبره بیرون روستا، با گذشتن از روستا، به سمت بالای کوه مقابل (ائقلان) رفته، ابتدا درخت خشک (قوروق‌آجاق) و بعد از آن به مظهرقنات میان‌ده روستا و حمام رسیده که در سمت راست مسیر قرار گرفته‌اند. دژ یا زندان کلاتر هم به فاصله کمی از حمام در ارتفاع بالاتر دیده می‌شود. در سمت چپ، غار یا پناهگاه (سُم) وجود دارد.



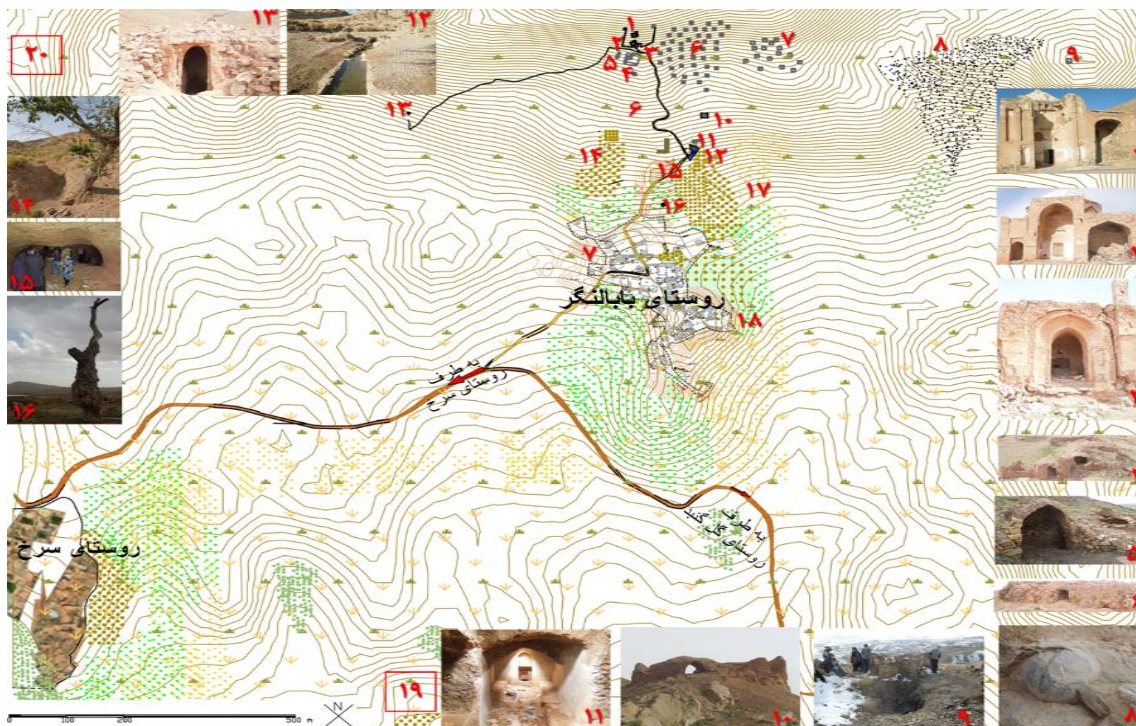
تصویر ۱: موقعیت روستای بابالنگر در تقسیمات سیاسی کشور. (ماخذ: طرح هادی روستای بابالنگر)



تصویر ۲: نمای کلی از روستا و دو آرامگاه. دید از شمال به جنوب. (ماخذ: سیدعلی لنگری)

در مسیر آرامگاه‌ها، سردابه‌ها وجود دارند که یا تخریب شده‌اند و یا ورودی آن‌ها مسدود است. این دو آرامگاه به واسطه سردر ورودی که در سمت جنوبی دو آرامگاه جای دارد و دیوار پیوسته به آن، محصور شده‌اند. در سمت جنوب این ورودی کاروانسرا (زائرسرا) قرار گرفته و در جوار آن و سمت جنوب غربی آرامگاه‌ها، بنای حوض‌انبار است. از سمت روستا ابتدا آرامگاه میرمطهر قرار دارد و سپس آرامگاه باباتوکل. چهارتاقی و بنای چشمه آب شفا، به ترتیب در سمت شرق و غرب آرامگاه‌ها، قرار گرفته‌اند.

از دیگر آثار طبیعی وجود فسیل‌های دریایی، باغ و چشمه‌های آب فراوان در منطقه است (تصویر ۴). مجموعه تاریخی روستا در تاریخ ۵ آذر ۱۳۸۰ با شماره ثبت ۴۴۶۳ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



تصویر ۳: موقعیت قرارگیری آثار و ابنیه تاریخی روستای بابالنگر: ۱- آرامگاه باباتوکل، ۲- آرامگاه میرمطهر، ۳- بنای ورودی آرامگاه‌ها، ۴- بنای موسوم به کاروانسرا (زائرسرا)، ۵- حوض انبار، ۶- سردابه‌ها، ۷- قبرستان گبری‌ها، ۸- فسیل‌های دریایی، ۹- چهارتاقی میرمظفر، ۱۰- دژ (زندان یا کلانتر)، ۱۱- حمام، ۱۲- چشمه‌قنات میان‌ده، ۱۳- چشمه شفا، ۱۴- چشمه باغ شیخ محلب (چشمه سار)، ۱۵- پناهگاه، ۱۶- درخت خشک، ۱۷- بقایای سکونت قدیمی بابالنگر، ۱۸- چشمه‌قنات حصار، ۱۹- چشمه‌قنات لنگر کوچک، ۲۰- چشمه‌قنات برج‌بابا. (ماخذ: نگارندگان و بر اساس پرونده ثبتی اثر)

در خصوص تاریخچه شکل‌گیری روستا، مدارک و آثار مدون چندانی در دست نیست؛ اما در ادامه متن، بر اساس مطالب، مستندات و اقوال شفاهی به فرضیاتی در خصوص پیشینه و وجه تسمیه روستا پرداخته می‌شود:

- توقف‌گاه کشتی

اولین و ظاهری‌ترین وجه تسمیه از لغت «لنگر» که به ذهن می‌رسد، معنی لنگر کشتی و مکانی که کشتی‌ها در ساحل آن می‌ایستند. خانیکوف در سفرش از مشهد به سمت هرات، به محلی به نام لنگر می‌رسد و می‌نویسد: «سومین روز را سراسر در دشت راه پیمودیم و از جاده عریض و صافی به دهکده لنگر واقع در سه فرسنگی آخرین توقف‌گاه قبلی خود رسیدیم. این منطقه بسیار قدیمی، لنگر- یعنی توقف‌گاه کشتی‌ها- نام دارد و بنابر روایت محلی در گذشته قسمت زیادی از زمین‌های این دشت زیر آب بوده و لنگر پناه‌گاه کشتی‌ها به‌شمار می‌آمده‌است» (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۲۷).

براساس زمین‌شناسی و نوع خاک منطقه و مشاهده فسیل‌های دریایی در سنگ‌های منطقه، می‌توان گفت که فرضیه فوق قابل اعتنا است.



تصویر ۴: وجود فسیل‌های دریایی در منطقه بابالنگر.

– شهر بودن منطقه

در کتب تاریخی از شهری با نام مهرگان (مابین نیشابور و گرگان) نام برده شده است که به نظر دکتر متولی حقیقی (دکتری تاریخ و عضو هیات علمی بازنشسته دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد) این شهر باید جایی در همین منطقه باشد. به طور مثال در کتاب مقدسی آمده است: «در راه دیگر گرگان به سوی نیشابور، منازل میان اسفراین تا نیشابور عبارت بود از مهرگان و ریوند» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۵۲). در مصاحبه با ساکنین و دهیار روستا، آن‌ها اظهار داشتند که در گذشته در این منطقه دریا وجود داشته و نام لنگر به آن دوره برمی‌گردد و شهری به نام ائقلان که در حال حاضر نام کوه همان منطقه است، وجود داشته است.



تصویر ۶: ارتفاعات کوه ائقلان. روستای بابالنگر.



تصویر ۵: حصار باقی مانده روستای بابالنگر.

در خصوص شهر بودن منطقه، نکاتی قابل بررسی است. عوامل مشخصه شهر در دوره اسلامی عبارتند از: مسجد، بازار، برج و بارو. در این منطقه جز باقی‌مانده اندکی از دیوار موسوم به «حصار» (که نام چشمه آن مکان است) نشانی از هیچ‌کدام از این موارد مشاهده نمی‌شود و برای اثبات یا رد این فرضیه، نیاز به کاوش‌های باستان‌شناسی بیشتری است.

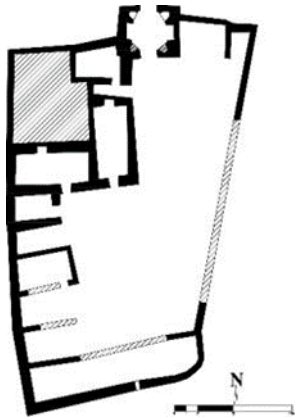
– برگرفته از نام آرامگاه باباتوکل

از دیدگاه دیگر نام روستا به‌خاطر وجود آرامگاه باباتوکل است. لنگر، محجری را گویند از سنگ یا چوب یا خشت و گل که بر دور مزار بزرگان کشند و به عربی ضریح خوانند (برهان). لنگر براساس لغت‌نامه دهخدا: جایی را گویند که در آن‌جا همه روزه طعام به مردم دهند، جایی که آن‌جا طعام به فقرا دهند.

– خانقاه

خانقاه، محل اجتماع یا خوردن‌گاه صوفیان، جایی که هر روز از آن‌جا به مردم طعام برسد، از این است که خانقاه را نیز لنگر گویند (لغت‌نامه دهخدا). «به پندار من، لنگر واژه‌ای است معادل منزل و رباط که از دیرباز در جهان اسلام و خصوصاً در قلمرو تصوف خراسان موضوعیت داشته است، مانند رباط ابن‌مبارک بخاری و ده‌ها و صدها رباط دیگر؛ اما از سده هفتم هجری که آرا تصوف هندی با آمدن بخشیان و صوفیان سیاح و جهانگرد موسوم به قلندریان از شبه قاره به ایران شروع

شد و نیز از سده هشتم هجری که احداث و ایجاد خانقاه‌ها به منظور اطعام و اسکان راهروان جهانگرد صوفی‌منش رو به فزونی نهاد، واژه لنگر در تصوف خراسان مجال طرح یافت و در قرن نهم بر برخی از باشی‌دنگاه‌های صوفیه اطلاق شد.» (مایلهروی، ۱۳۷۵). در کتاب معماری ایرانی بخش خانقاه آمده است: «طرح معماری خانقاه به طور کلی همانند رباط و کاروانسرا بوده است. یک میانسرا و شماری حجره در گرداگرد آن» (معماریان، ۱۳۷۸: ۳۶۹).



تصویر ۸: پلان بنای زائرسرا.



تصویر ۷: بنای موسوم به زائرسرا (کاروانسرا).

– وجود شخص سومی به نام بابالنگر

بابالنگر ممکن است شخص سومی باشد که در آن محل بوده است و عارفان و یا صوفیانی دیگر جز باباتوکل در آن محل وجود داشته‌اند و یا در آن مقبره مدفونند. لازم به ذکر است که اهالی روستای بابالنگر از وجود سردابه‌ای در قسمت زیرین آرامگاه باباتوکل صحبت می‌کنند.

– متروکه شدن

این فرضیه را هم می‌توان در نظر داشت که مدتی در آن منطقه زیست بوده‌است، به دلایلی مثل هجوم اقوام مهاجم یا بلایای طبیعی سیل و زلزله، مردم آن منطقه را ترک کرده‌اند و پس از مدتی دوباره و شاید قومی دیگر در آن‌جا ساکن شده‌اند. «با توجه به سبک و شیوه ساخت ابنیه نظیر اجرای قوس‌ها، گنبد، سازه معماری و سفالینه‌ها و سایر شواهد موجود می‌توان گفت که مجموعه بابالنگر با ساخت بنای آتشکده در دوره ساسانی شکل گرفته و با توجه به عوامل فوق‌الذکر با ساخت سردابه‌ها و مقبره موسوم به باباتوکل، مجدداً در اواسط قرن هفتم هجری رونق یافته و تا دوره قاجاریه ادامه یافته است. از این‌رو این مجموعه را بایستی یکی از مجموعه‌های منسجم دوره ساسانی و قرن هفتم تا سیزدهم هجری به حساب آورد» (پرونده ثبتی اثر، ۱۳۸۰).

– دیگر معانی لنگر

با مطالعه آثار کهن ایرانی اعم از شعر (باباطاهر لریستانی: من آن پیرم که خواندم قلندر/ نه خانم بی، نه مانم بی، نه لنگر) و نثر، واژه لنگر معانی و مفاهیمی هم‌چون: وسیله نگه‌دارنده کشتی، انداختن و افکندن، گشادن، گسستن، نهادن، فروکشیدن، تمکین و وقار، باختن و از کف دادن، نگاه‌داشتن، سنگینی، محجر، انسان بسیار مکار و حیله‌گر، طعام فقرا، چوب‌بندباز در خود دارد. همچنین لنگر نام مکان‌های مختلف در کشور است از جمله، نام روستاهایی در شهرستان‌های: ساری، تربت‌جام، بجنورد، بخش مانه در شهرستان بجنورد، طریقه مشهد، شوشتر و شهرستان خوشاب. اثبات یا رد فرضیات فوق نیازمند پژوهش‌های مفصل و عملیات باستان‌شناسی است و از آن‌جا که هدف این مقاله تحلیل نیارشی دو بنا است، صرفاً در حد ارائه برای آشنایی مخاطبان و پیگیری در پژوهش‌های آتی مطرح شده‌اند.

در جدول ۱ دوره تاریخی ثبت شده در پرونده ثبتی مجموعه، پلان، ورودی، پوشش، مصالح، قدامت و تزیینات بناهای تاریخی روستای بابالنگر آورده شده و موارد مشابه با رنگ یکسان مشخص شده‌اند.

جدول ۱: مقایسه بناهای مجموعه تاریخی بابالنگر با یکدیگر. (ماخذ: نگارندگان)

نام بنا	پلان	تصویر	جهت ورودی	پوشش	مصالح	تزیینات	دوره تاریخی احتمالی
آرامگاه باباتوکل			شرق	گنبد	سنگ	گچ‌بری نقاشی	قرن ۹
آرامگاه میرمطهر			شرق	گنبد	آجر سنگ	رسمی‌بندی آجرکاری	قرن ۹
بنای ورودی			جنوب	-	آجر سنگ	-	قرن ۷
بنای موسوم به کاروانسرا			شمال	طاق کلمبو طاق آهنگ	سنگ	ندارد	-
حوض انبار			جنوب غربی	طاق کلمبو	سنگ	ندارد	-
دژ یا زندان			شمال	-	خشت آجر	-	-
حمام			جنوب شرقی	طاق آهنگ	سنگ	ندارد	قرن ۸
چهارطاقی میرمظفر			جنوب	-	سنگ	-	ساسانی
بنای چشمه شفا			جنوب	طاق کلمبو	سنگ	ندارد	-
سردابه			جنوب	طاق و تویزه	سنگ	ندارد	قرن ۷

۲-۲- تاریخ ساخت بنا

تاریخ ساخت آرامگاه‌ها به صورت دقیق به علت نبود سنگ قبر و همچنین عدم وجود کتیبه‌ای بر روی ضریح یا بنای آرامگاه‌ها، مشخص نیست. تنها کتیبه موجود که در مجاورت آرامگاه‌های باباتوکل و میرمطهر قرار داشته (پرونده ثبتی آرامگاه باباتوکل)، سنگ کتیبه‌ای سیاه‌رنگ و به خط ثلث است که شکسته شده و قطعه‌هایی که نام شخص و بانی آرامگاه آورده شده، از بین رفته است (تصویر ۳). قطعه‌های باقی‌مانده توسط دکتر شیخ‌الحکمایی بازخوانی شد که بدین شرح است: «اشارت الی بناء هذا المقام الذی هو کتبه الله و خیر الانام / طلباً لمرضاة و کالجبر المثلثوم، مقبل الشفا و موطاء / الحیاه من شیدالله xxx xxx مناقب حضرت / العلیه صفحات الله xxx xxx بلیقیس و العهد و الزمان xxx xxx ایام ملکه بحق xxx تها فی عام / ثمان و اربعین و ثمان مائه xxx شیخ محمد ...». از این کتیبه، این نکات کسب می‌شود: ۱. کتیبه متعلق به آرامگاه بوده است. ۲. بانی آن خانمی با لقب «بلیقیس زمان» است. با توجه به این که ابلاغ بانی بناها از مهمترین جنبه‌های معماری تیموری است (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۲۷۷) و زنان بانی قدرتمندی در دوره تیموری بوده‌اند؛ و همچنین این نکته که لقب بلیقیس زمان از القاب گوهرشاد (حسن‌زاده، ۱۳۹۷) است، امکان فرمان ساخت آرامگاه توسط این بانو وجود دارد. ۳. تاریخ روی کتیبه ۸۴۸ قمری نوشته شده و دیگر، نام شیخ محمد در انتهای کتیبه که احتمالاً کاتب کتیبه بوده است.



سنگ نوشته‌ای که در مجاورت آرامگاه‌های بابا حاج توکل و میرمطهر در لرستان. این سنگ نوشته شکسته شده به منزله کتیبه مرثیه نوشته‌ی عزیزی متعلق گردیده است.

پرونده ثبتی آرامگاه باباتوکل

تصویر ۹: کتیبه پیداشده در مجموعه آرامگاهی بابالنجر. (ماخذ: موزه بزرگ خراسان)

۲-۳- اشخاص متوفی در دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر

در شناسایی اشخاص و افراد مرتبط با ساخت بناها، عموماً می‌توان به چهار دسته عمده اشاره داشت: صاحب‌منصبان، رجل دینی و مذهبی، فرهنگی- اجتماعی و سیاسی که بنا به افتخار آن‌ها و به‌عنوان مدفن ایشان ساخته می‌شدند. حامیان و صاحب‌منصبان که تامین مالی طرح‌ها را بر عهده دارند، مباشران که بر انجام کارها نظارت داشتند و سرانجام، معماران و صنعتگران که کارها را به انجام می‌رساندند (بلر، ۱۳۸۷: ۸). در بررسی بناهای مجموعه بابالنجر، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد اطلاعاتی مبنی بر ساخت و بانی و همچنین فرد متوفی موجود نیست، براساس این که آرامگاه برای مردم منطقه جنبه زیارتی دارد، می‌توان گفت که احتمالاً شخصیت‌های مدفون شده از رجل دینی و مذهبی بوده‌اند. در کتاب خوشاب (عبداله‌زاده‌ثانی و ابراهیمی دوست، ۱۳۸۶، ۹۵)، بقعه باباتوکل و میرمطهر را از نوادگان امام موسی کاظم (ع) دانسته‌اند. در مورد نام باباتوکل می‌توان گفت «در گذشته عارفان کامل و عرفای نامی را بابا می‌گفته‌اند. بابا کسی است که به کمال روحی رسیده و مقام فنا را طی کرده باشد و به بقا رسیده است و در عصر خود پیشوای بسیاری از مردم و مرشد ابنای زمان بوده‌اند. توکل هم از فضاییلی است که سالک باید برای رسیدن به کمال آن را کسب کند. لقب عارفان را معمولاً

مشایخ و استادان آنها تعیین می‌کرده‌اند» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۴). در مورد نام میرمطهر هم دو دیدگاه است که میر به معنای سید و دیگری به معنای امیر.

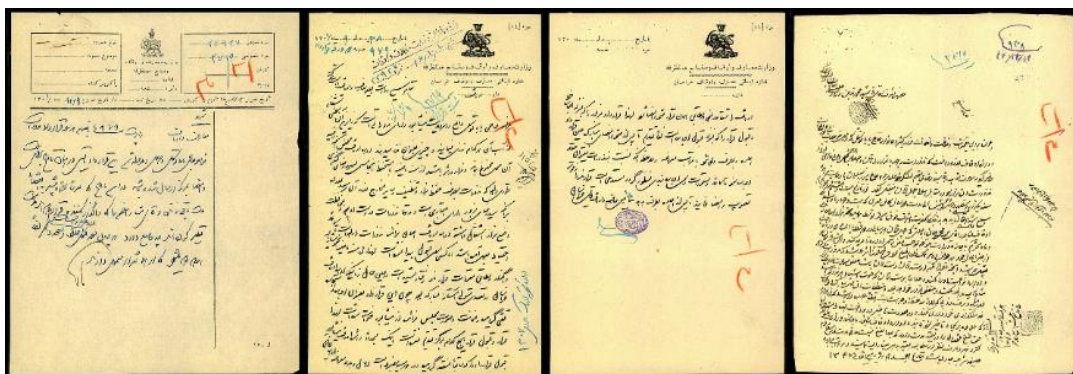
در متن سند موقوفه‌ای (تصویر ۱۰)، میرزباقر خرقی در تاریخ بیست و پنجم ماه محرم سال ۱۳۳۵ ه.ق مصادف است با سی‌آبان ماه سال ۱۲۹۵ ه.ش، نیم شبانه‌روز آب قنات میان‌ده را وقف آرامگاه باباتوکل نموده که به نام «ابراهیم بن شیخ محلب» نوشته شده است. اگر با همین املا به صورت «محلِب» صحیح باشد، دو نام وجود دارد: ۱- نام درخت است. خصوصیتی که برای این درخت وجود دارد از لحاظ چوب معطر و خواص دارویی آن، شبیه به درخت موجود در روستای بالانگر که اهالی درخت خشک می‌نامند؛ است. ۲- نام چشمه است. ویژگی این نوع چشمه، مقدار آب کم و تلخ است که چنین چشمه‌ای به نام چشمه باغ شیخ محلب در روستا موجود است.

مخفی نمادان چون توفیقات ربانی شامل حال جناب افتخارالحاج حاج میرزا باقر خلف مرحوم غفران‌پناه آقا میرزا تراب خرقی گردیده همان مجرالمیاه نیم شبانه‌روز آب مع متعانتش از باغ معنب و پایر اراضی متعلقه که از سیادت پناه جناب آقا میرزا هادی خلف مرحوم آقا کرپلانی میرزاتی ساکن ننگر اتباع نموده بود وقف مؤبد و حبس مخلد نمود ابتداء امرضات‌الله به مرحوم غفران‌پناه رضوان‌جا بگاه عملی مکان حاج الحرمین الشریفین **حاجی ابراهیم بن شیخ محلب** و دو نور دیدگانش علیهم‌الرحمه الشیخ به **بابا حاجی توکل** که آنچه محصول و منافع ملک مزبور از باغ عنبی و غیره عاید شود خرج و صرف خادم بقعات شریفه که چراغ روشن بنماید و جاروب کشی می‌کند و خدمت زوار و پذیرایی منزل زوار می‌نماید بشود و تولیت ملک مزبور مادام‌الحیوه با خود واقف است و بعد از یولاد ذکور او نسل بعد نسل بعد از انقراض ایشان اگر خدا نخواستند بشود تولیت با اصحاب و اعلم و اروع علماء و سادات قریه خرق است بعد از آنها تعلق به مجتهد عصر دارد و صیغه وقف با شرایط مفرویه و کاتبه جریان یافت بتاريخ بیست و پنجم شهر محرم الحرام ۱۳۳۵



تصویر ۱۰: سند وقفی میرزا باقر خرقی و بازخوانی آن توسط نگارندگان. (ماخذ: سید علی لنگری)

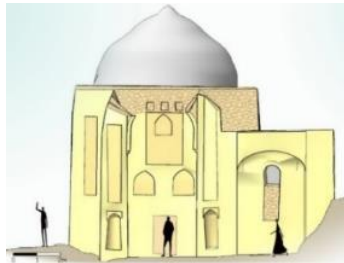
برخی از اهالی روستا معتقد بودند که آرامگاه میرمطهر و چهارتاقی میرمظفر محل دفن دو پسر باباتوکل هستند؛ اما طی کارشناسی صورت گرفته توسط کارشناسان باستان‌شناسی، بقایای بنای میرمظفر که بافاصله یک کیلومتری و بر روی تپه‌ای جداگانه است، چهارتاقی با کاربری آتشکده شناسایی شده و حفاری‌هایی که توسط افراد سودجو در مرکز بنای میرمظفر صورت گرفته، نشان‌دهنده نبود قبر است. با وجود این اعتقاد و نوشته شدن این وقف نامه در دوره قاجار، در متن وقف نامه بعد از «حاجی ابراهیم بن شیخ محلب»، آورده شده «دو نور دیدگانش» که منظور همان میرمطهر و میرمظفر است. طبق مصاحبه با اهالی روستا، متولی آرامگاه‌ها به صورت نوبتی و هر ده سال بین اهالی روستا صورت می‌گرفته است. در سال ۱۳۰۷ شمسی که متولی آن فردی به نام سیدرضا فرزند میرزا سلیمان بوده، اداره امور آرامگاه‌ها را به اداره اوقاف نیشابور واگذار کرده است. در این سند (تصویر ۱۱) نام آرامگاه، باباتوکل ذکر شده است.



تصویر ۱۱: اسناد واگذاری آرامگاه به اداره اوقاف در سال ۱۳۰۷ ه.ش. (ماخذ: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

۲-۴- معرفی وضعیت کالبدی آرامگاهها

بررسی نظام سازماندهی فضایی آرامگاهها، الگوی ساده آنها را مشخص می‌کند. نماهای دو بنا در کلیات معماری، شبیه یکدیگر هستند؛ در هر آرامگاه، ورودی از ایوان اصلی و در کنار آن ایوانچه و در درون آرامگاه فضای ضریح و قبر با پلان چهار صفا یا چلیپا است. در ادامه پلان، نما و مقطع دو آرامگاه آورده شده است (تصاویر ۱۲ الی ۱۶).



تصویر ۱۳: نمای شرقی آرامگاه باباتوکل



تصویر ۱۴: نمای شرقی آرامگاه میرمطهر



تصویر ۱۲: پلان آرامگاه باباتوکل و آرامگاه میرمطهر



تصویر ۱۶: مقطع B-B آرامگاه میرمطهر



تصویر ۱۵: مقطع A-A آرامگاه باباتوکل

آرامگاه باباتوکل در قسمت شمالی آرامگاه میرمطهر است. این بنای سنگی با پلان مربع شکل به ابعاد تقریبی ۸.۵×۸.۵ متر ساخته شده است. نمای شمالی، جنوبی و غربی بیرونی بنا عینا قرینه و مصالح آن سنگ لاشه است که در آن به وسیله سه طاق نمای مستطیل شکل به سه قسمت تقسیم شده و درون هر کدام به جز قسمت وسط یک کور پنجره است. در قسمت میانی طاق نما پنجره مشبکی که به درون راه و نقش نورگیر دارد، تعبیه شده است. نمای شرقی مقبره اندود گچ است و دارای نقاشی‌هایی بوده که به علت تخریب پوشش ایوان، هم‌اکنون چیزی از آن باقی نمانده است. پوشش ایوان تاق و تویزه بوده که با برداشت تاق باقی مانده و مطابقت با عکس قبل از تخریب؛ نوع قوس پنج‌قسمتی است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷: عکس از ایوان ورودی آرامگاه باباتوکل قبل و بعد از تخریب.

در کنار ایوان اصلی یک ایوان کوچکتر الحاقی هم است که تاق آن از نوع قوس دسته‌سبیدی (زمرشیدی، ۱۳۷۳: ۹۱) است. این نوع قوس (دسته‌سبیدی) در سردابه‌های اطراف مجموعه نیز دیده شده است (تصویر ۱۸). ایوان نسبت به بشن گنبد و قبل از ساخت ایوان کوچکتر، در مرکز هندسی نمای جبهه شرقی و قرینه ساخته شده است. الگوی نما بسیار ساده است و در طرفین آن دو تاق نما قرار گرفته است. در قسمت پوشش ایوان، تاق وتویزه به وسیله گچبری مزین شده‌اند.



تصویر ۱۸: نمونه‌ای از سردابه‌های روستای بابالنگر.

هدف از احداث ایوان کوچکتر که در مجاور ایوان اصلی آرامگاه باباتوکل قرار گرفته، مشخص نیست ولی مدتی به عنوان آشپزخانه و مطبخ استفاده می‌شده که ورودی آن را به اندازه یک در کوچک، باز گذاشته و مابقی را بسته‌اند. در مرمت‌های گذشته، این دیوار را تخریب کرده‌اند و ورودی ایوان کاملاً باز شده است. این ایوان با تاق دسته‌سبیدی و ساده و بدون تزیینات است. ابعاد این ایوان $۴.۵ \times ۲.۵ \times ۳$ متر است با نمای سنگی. پنجره‌ای در بالای آن قرار گرفته که از پشت ایوان و از طریق این پنجره می‌توان به بالای بام رفت. پس از ورود به داخل آرامگاه باباتوکل، در چهارضلع داخلی دو تاقچه و رف در دو طرف صفا وجود دارد. در داخل صفا شمالی با سه طاق نما تزیین شده است.

در بالای گنبد آرامگاه باباتوکل، با توجه به عکس‌های قدیمی توغ گنبدی هست که به گفته اهالی روستا از جنس نقره بوده که در سال‌های گذشته به سرقت رفته است. گنبد آرامگاه باباتوکل تمامی از سنگ لاشه است و سنگ‌هایی از گنبد بیرون زده که به عنوان داربست و برای سهولت در بالارفتن از آن تعبیه شده است (تصاویر ۲۰ و ۱۹).



تصویر ۲۰: جبهه‌ی شرقی آرامگاه باباتوکل و وضعیت کنونی گنبد.



تصویر ۱۹: توغ گنبد آرامگاه باباتوکل. ماخذ: گزارش ثبتی اثر، ۱۳۸۲.

آرامگاه میرمطهر در ابعاد تقریبی ۱۱×۹ متر با الگوی پلان آرامگاه باباتوکل تا ارتفاع حدود ۱.۵ متر با سنگ لاشه ساخته شده و از آن به بعد با آجر $۲۳ \times ۲۳ \times ۵$ سانتی‌متری است. جبهه جنوبی و غربی بنا از الگوی یکسانی پیروی نموده‌اند و اضافه شدن الحاقات تغییراتی در نمای شمالی به وجود آورده است. در هر سه طرف هنوز درگاه ورودی گذشته دیده می‌شود که با سنگ پر شده و در بالای نما، کورپنجره‌هایی تعبیه شده است. گنبد آجری آن بر ساقه هشت‌ضلعی استوار است که دورتادور این هشت‌ضلعی را طاق نماهای پنج‌ضلعی با آجر تزئین کرده‌اند. در اضلاعی که به سمت چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، شرق و غرب) است، نورگیر تعبیه شده است. ورودی بنا از ضلع شرقی و از طریق ایوان رفیعی صورت می‌گیرد. ایوان کوچکتری هم در سمت شمال شرقی آن و چسبیده به ایوان اصلی است. راه دست‌یابی به پشت‌بام به وسیله دو رشته پلکان (که یکی در طرف جنوب شرقی ایوان اصلی و دیگری در پشت ایوان کوچک و سمت شمال شرقی که هم‌اکنون تخریب گشته قرار گرفته) امکان‌پذیر است.

ایوان اصلی آرامگاه میرمطهر که مشابه ایوان آرامگاه باباتوکل با ساختار مستطیل شکل اما کوچکتر و با تزئینات خیلی کمتر است. ایوان با طول و عرضی به ابعاد ۱.۷×۲.۴ متر و ارتفاعی که از کف تا تیزه قوس به ۵.۳ متر می‌رسد. چکاد آن ۶۳ سانتی‌متر است. پوشش سقف ایوان تاق‌آهنگ و آجری است که با گچ در دوره‌های بعدی اندود شده است. دو دیوار درونی جبهه شمالی و جنوبی ایوان، دارای یک تاقچه با قاب مستطیل به کار رفته است. در سمت شمالی ایوان، ایوان کوچکتری ساخته‌اند که بین این دو ایوان ارتباطی نیست جز از طریق حیاط. ایوان کوچک آرامگاه میرمطهر، با تاق تیزه‌ای و به شیوه تاق‌آهنگ در دوره‌ای بعد از ساخت آرامگاه، الحاق شده است. این ایوان نیز با تاقچه و تاق‌نما مزین شده است. از درب شرقی بنا وارد آرامگاه شده که همانند مقبره باباتوکل دارای پلان چهارگوش است. بر روی هر دیوار و در دو طرف تاق میانی دیوار، دو تاقچه کشیده تعبیه شده است. سه ورودی دیگر بنا که بسته شده، از طرف داخل بنا، با گچ، اندود شده و ضلع غربی و جنوبی هنوز چهارچوب مثبت‌کاری گذشته خود را دارند. چهارضلعی بنا به واسطه گوشه‌سازی سکنج به هشت‌ضلعی تبدیل گشته و گنبد بر روی آن ساخته شده است.

گنبد آرامگاه میرمطهر، آجری است و آجرهایی بیرون زده از گنبد مانند آرامگاه باباتوکل که از سنگ بود، وجود دارد. گنبد این آرامگاه بر ساقه هشت‌ضلعی استوار است که از بیرون هم دیده می‌شود (تصاویر ۲۲ و ۲۱).



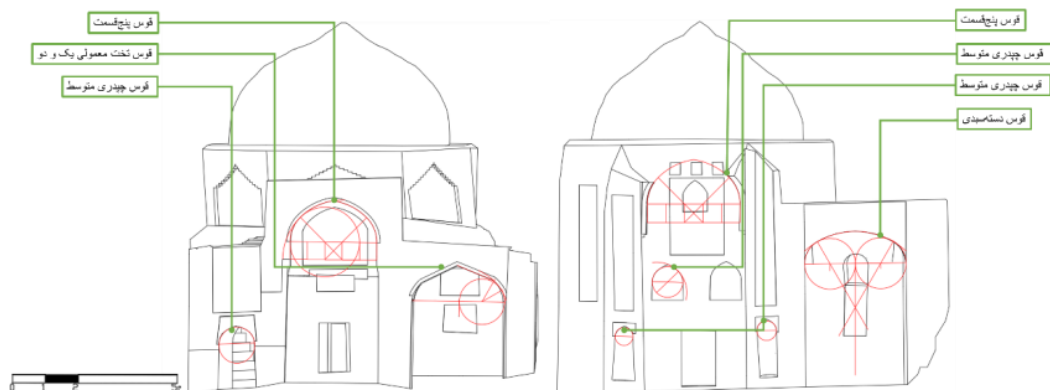
تصویر ۲۲: وضعیت کنونی جبهه‌ی شرقی آرامگاه میرمطهر.



تصویر ۲۱: جبهه‌ی شرقی آرامگاه میرمطهر. ماخذ: گزارش ثبتی اثر، ۱۳۸۲.

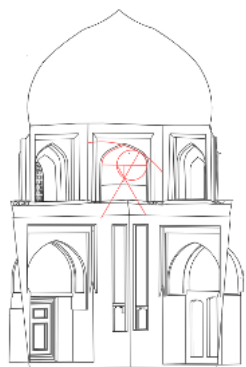
۲-۵- سازه آرامگاه‌ها

بازگویی دیدگاه در خصوص جزئیات اجرایی نظام پی‌سازی آرامگاه‌ها، وابسته به بررسی کامل پی و حفر گمانه‌های مطالعاتی در فونداسیون بناست. پی‌بندی بنا سنگی و کرسی‌چینی آن با سنگ صورت گرفته و در آرامگاه میرمطهر بقیه سازه از آجر است (ابراهیمی دوست و عبداله‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۲). حال با در نظر گرفتن این مطلب، می‌توان در نظر گرفت که شالوده‌ای با سنگ لاشه و ملات پایه آهکی به عنوان نظام پی‌سازی آرامگاه‌ها ساخته شده است. گرچه این نظر، در گرو مطالعات آزمایشگاهی و نمونه‌برداری از پی است. بستری که بنا روی آن قرار گرفته سنگی و همچنین خاک منطقه سنگلاخ است. جرزها نیز، در آرامگاه باباتوکل، از سنگ لاشه و در آرامگاه میرمطهر، از آجر و ملات هر دو بنا گچ و آهک است. نظام سازه‌ای بنا، مبتنی بر نظام تاق و قوس و بهره‌گیری از سیستم‌های تاقی است. بر همین اساس، ایوان‌ها و صفت‌ها و گوشه‌سازی و گنبد، همه با استفاده از تاق و قوس اجرا شده‌اند. قوس‌های به کار رفته در هر دو بنا، از نوع تیزه‌دار هستند و می‌توان گونه‌های متنوعی از آن‌ها را مشاهده کرد و تنها قوسی که تیزه‌دار نیست، در ایوان کوچک آرامگاه باباتوکل است. به دلیل اندود روی تاق‌ها، نمی‌توان به شیوه اجرای آن‌ها (رومی یا ضربی) پی برد و نیازمند گمانه است، اما در آرامگاه میرمطهر به علت ریختگی مصالح و اندود آن در قسمتی از گوشه‌سازی‌ها، تاق به صورت رومی کار شده است. با مقایسه وضعیت موجود عناصر سازه‌ای بنا، می‌توان نتیجه گرفت که عناصر باربر موجود در هر دو بنا متشکل از دیوارهای باربر ایوان‌ها و جرزهای چهارتاقی هستند. پوشش‌های بنا عمدتاً به سه نوع تویزه، تاق‌آهنگ و گنبد تقسیم می‌شوند. شناخت این عناصر در دو سطح تکنیک اجرایی و نوع چفد به کاررفته در ساخت تاق و قوس مطرح می‌شود. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و رولوه، چفد تویزه و تاق‌آهنگ (ایوان ورودی هر دو بنا) هر دو با چفد پنج قسمت (زمرشیدی، ۱۳۷۳: ۲۰۰) بیشترین تطابق را دارد (تصویر ۲۳).

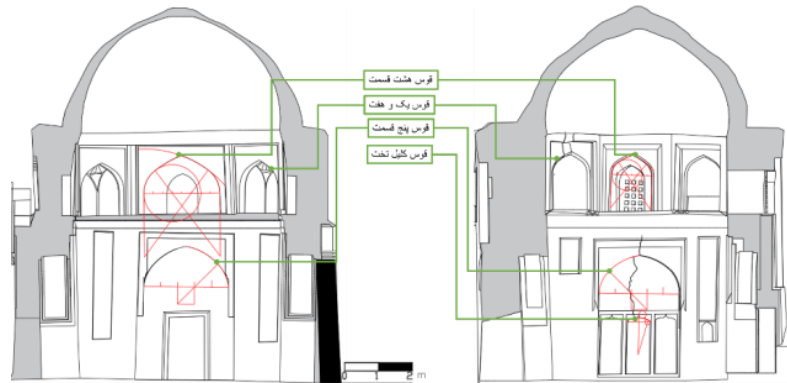


تصویر ۲۳: نوع چفدها به ترتیب از سمت راست به چپ: دسته‌سبیدی، پنج قسمت، چفدی متوسط، تخت معمولی یک و دو، پنج قسمت.

همچنین چفد تویزه‌های گوشه‌سازی، چفد یک و هفت (زمرشیدی، ۱۳۷۳: ۲۴۲) است. نوع چفد در تاق‌های ضلع جنوبی آرامگاه باباتوکل، کلیل تخت است (تصاویر ۲۴ و ۲۵).



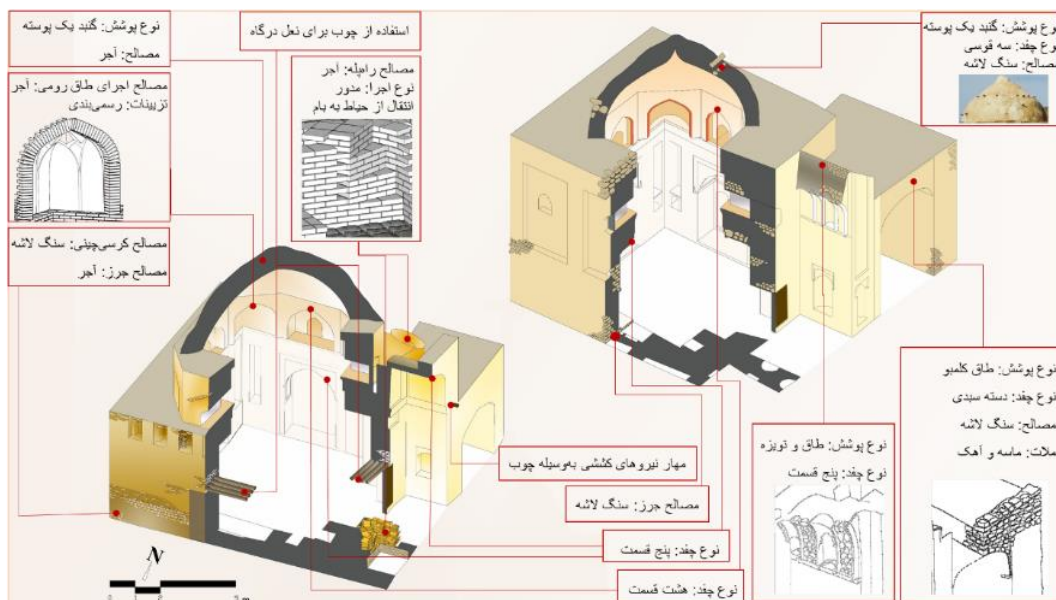
تصویر ۲۵: قوس یک و هفت سکنج، آرامگاه باباتوکل.



تصویر ۲۴: قوس‌های پنج قسمت و هشت قسمت در آرامگاه‌های باباتوکل (سمت راست) و میرمطهر (سمت چپ) و قوس کلیل تخت در آرامگاه باباتوکل.

۲-۶- تکنیک ساخت گنبدها

در هر دو آرامگاه، گمانه یا ریختگی مصالح رخ نداده و همچنین از درون و بیرون بنا از زیر اندود، وجود ترک‌های اجرایی مشاهده نمی‌شود که بتوان از آن طریق به تکنیک اجرای پوشش پی برد. «معماران و سازندگان ایلخانی، مانند بناهای دوره سلجوقی سعی داشتند طاق و گنبدهایی با حداقل قالب و چوب بست بنا کنند» (ویلبر، ۱۳۶۵: ۵۹). بر اساس نظر ویلبر و همچنین چون نوع چفد به کار رفته در دو گنبد سه‌قوسی است، می‌توان به این مطلب که بدون قالب کار شده، استناد کرد. در ادامه بر روی سه‌بعدی بنا نظام پی‌سازی تا جزئیات اجرایی گنبد ترسیم شده است (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۶: جزئیات اجرایی دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر.

۳- بحث و تحلیل

در این بخش از مقاله، مطالعه دگرگونی‌ها و الحاقات کالبدی دو آرامگاه بر اساس مستندات تاریخی و تحلیل نقشه‌ها از طریق بازدیدهای میدانی و برداشت آن‌ها صورت خواهد پذیرفت. بررسی تطبیقی معماری دو آرامگاه نشان داد که ساختار

این دو بقعه به صورت چهارتاقی گنبدخانه‌ای بوده که در ادوار مختلف در آن دخل و تصرف‌هایی چون بستن سه بازشو و اضافه شدن ایوان‌ها صورت گرفته است.

با بررسی جزرها، اطلاعاتی در مورد دخل و تصرف‌های ادواری آرامگاه‌ها در اختیار قرار می‌دهد. بررسی ایوان اصلی آرامگاه باباتوکل، موید جدا بودن آن از دیواره شرقی بناست. همچنین ایوان کوچکتر همین بنا نیز از ایوان اصلی، حاکی از هشت‌وگیر نبودن آن است. آنچه در ادامه می‌آید، مراحل دخل و تصرف در بنا است که بر اساس بازدید و بررسی‌های میدانی، توجه به درزهای اجرا و اهمیت این اصل که پلان چهارتاقی قابلیت گسترش دارد؛ صورت گرفته است. رد یا اثبات آن منوط به نتایج باستان‌شناسی و بررسی‌های دقیق آزمایشگاهی مصالح به کاررفته در بنا دارد.

۱: پلان اولیه‌ی بنا به صورت چهارطاقی بنیان شده است؛ با بررسی ایوان‌های ضلع شرقی هر دو آرامگاه مشخص گردید که ایوان‌ها به‌گونه هشت‌وگیر (قفل و بست) با ساختار اولیه نبودند و دو آرامگاه بر روی پلانی مربعی شکل، دارای چهار صفا، چهار ورودی، گنبد و با مرکزیت قبر در بنا ساخته شده‌اند. در قسمت شمال شرقی آرامگاه میرمطهر، یک رشته پلکان وجود دارد (تصاویر ۲۷ - ۲۹).



تصویر ۲۸: پلان اولیه آرامگاه باباتوکل و آرامگاه میرمطهر که با رنگ مشکی نسبت به وضعیت کنونی بنا مشخص شده است.

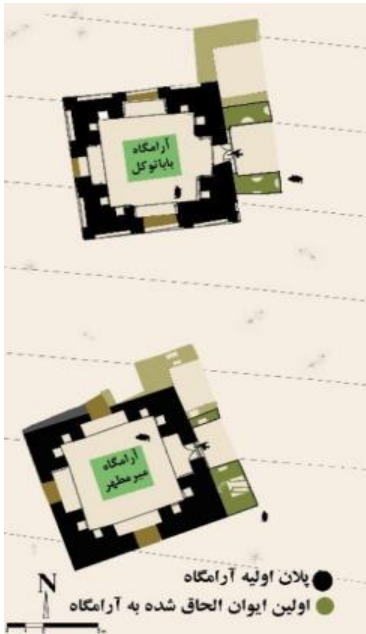


تصویر ۲۷: قسمت جداشده ایوان آرامگاه باباتوکل از چهارتاقی.



تصویر ۲۹: قسمت جداشده ایوان آرامگاه میرمطهر از چهارتاقی.

۲: ایوان شرقی که بزرگتر است و ورودی فعلی به داخل آرامگاه است؛ به بنا اضافه شده است. این ایوان که به ساختمان اولیه متصل نبوده (بر اساس مشاهده میدانی، تصاویر ۲۷ و ۲۹) و همچنین از ایوان کوچکتر هم مجزا است (بر اساس مشاهده میدانی، تصاویر ۳۰ و ۳۲)، ساخته می‌شود. ورودی به صورت مجزا و با ارجحیت سمت شرق به دیگر جهت‌ها، در دو آرامگاه لحاظ گشته است. دومین رشته پلکان در قسمت جنوب شرقی آرامگاه میرمطهر نیز، بنا می‌گردد (تصاویر ۳۰ - ۳۲).



تصویر ۳۱: ایوان شرقی الحاق شده به آرامگاه باباتوکل و آرامگاه میرمطهر.

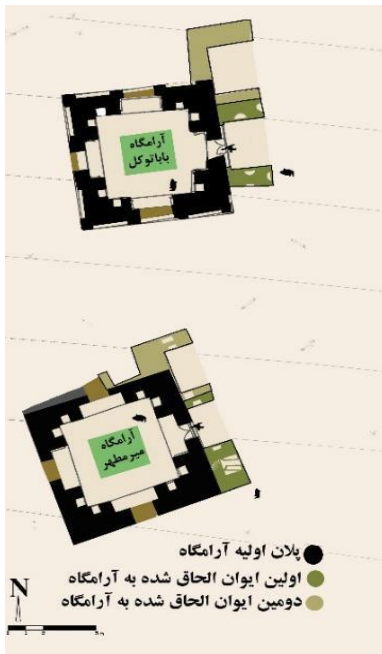


تصویر ۳۰: عدم اتصال دو بخش و الحاقی بودن ایوان کوچک آرامگاه باباتوکل.



تصویر ۳۲: عدم اتصال دو بخش و الحاقی بودن ایوان کوچک آرامگاه میرمطهر.

۳: ایوان کوچک‌تر شمال شرقی مجزا از ایوان اصلی در هر دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر ساخته می‌شود (تصاویر ۳۳-۳۵). لازم به ذکر است که آنچه ایوان بزرگتر به ایوان کوچکتر را ارجحیت تاریخی می‌دهد، اهمیت آن در تعریف ورودی بنا و نظام حرکتی در فضای بنا، درزهای اجرا و تفاوت در تناسبات و قوس‌های استفاده شده است.



تصویر ۳۴: ایوان کوچک الحاق شده به آرامگاه باباتوکل و آرامگاه میرمطهر.

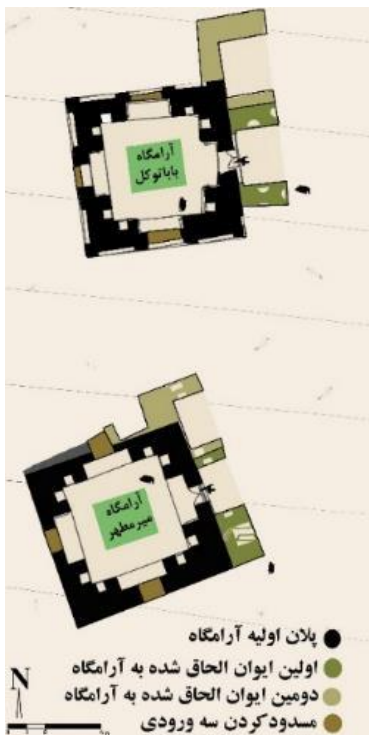


تصویر ۳۳: ایوان کوچک آرامگاه باباتوکل که با رنگ مشخص شده است.



تصویر ۳۵: ایوان کوچک آرامگاه میرمطهر که با رنگ مشخص شده است.

۴: در دوره‌های آتی راه ورودی سه طرف دیگر (یعنی ورودی سمت شمال، جنوب و غرب هر دو آرامگاه) بسته می‌شود (تصاویر ۳۶-۳۹). این مسدودشدن ورودی‌های سابق در تصاویر قبل از مرمت و همچنین بازدید میدانی قابل مشاهده است. در عکس قبل از مرمت آرامگاه باباتوکل نعل درگاه و همچنین هشت‌وگیر نبودن مصالح قسمت ورودی با دیگر مصالح دیوار مشهود است. همچنین رنگ متفاوت اندود بنای فعلی نسبت به دیگر اندودهای دیوار مشخص است. درب مثبت‌کاری سمت غرب در داخل آرامگاه همچنان باقی است. در آرامگاه میرمطهر از بیرون بنا به طور کاملاً مشخص ورودی‌ها نمایان است و در داخل بنا دو درب مثبت‌کاری سمت غرب و جنوب باقی است.



قبل از مرمت و مشخص بودن نعل درگاه بازشو

بعد از مرمت و پوشاندن محل بازشو با ملات

تصویر ۲: بازشوه‌های سابق در آرامگاه باباتوکل (ضلع جنوبی).



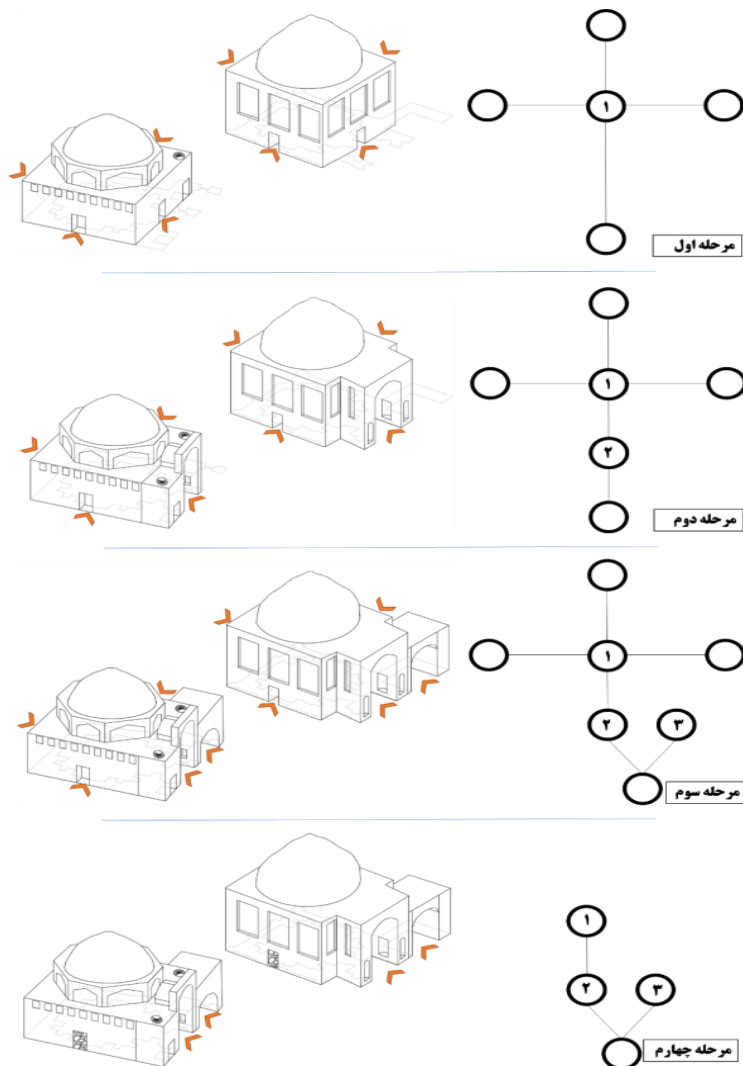
تصویر ۳: درب غربی آرامگاه باباتوکل.

تصویر ۴: مسدودشدن بازشوه‌های سه جهت شمال، جنوب و غرب آرامگاه باباتوکل و آرامگاه میرمطهر.



تصویر ۳۹: بازشوه‌های سابق آرامگاه میرمطهر.

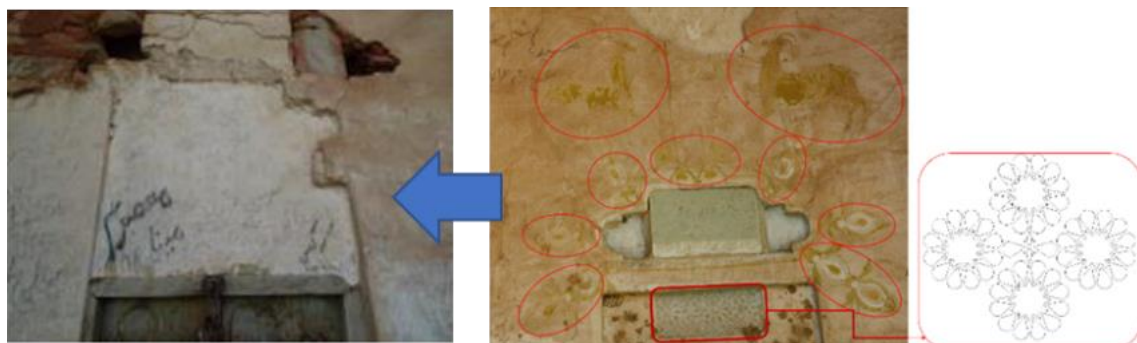
آنچه در قسمت پیشین آورده شد، سناریوهای احتمالی دوره‌بندی تاریخی بنا بود. در تصویر ۴۰ دیاگرام و گراف مشترک آرامگاه‌ها آورده شده است.



تصویر ۴۰: دیاگرام و گراف مشترک آرامگاه‌های بابتوکل و میرمطهر.

تفاوت دیگر دو بنا در تزیینات آن‌هاست. گرچه در ظاهر، آرامگاه بابتوکل ساده‌تر و با مصالح بومی منطقه ساخته شده است؛ اما تزیینات گچی (اکثرا دوره قاجار) و نقاشی (دوره تیموری و صفوی) خصوصا در دوره‌های مختلف تاریخی، نشان از عزت و حرمت نهادن مردم به این شخصیت مدفون (که احتمالا از عرفا بوده) در آرامگاه دارد. تزیینات آرامگاه میرمطهر معطوف به همان آجرکاری است که در نمای بیرونی بنا نمایان است که این امر گمان امیربودن شخصیت مدفون را بیشتر می‌کند.

در بالای در ورودی ایوان آرامگاه بابتوکل، نقاشی دوآهو و پرهای طاووس، قاب گچبری برای جایگاه کتیبه سنگی و همچنین حجاری روی سنگ که نقش شمس و گل ده پر حک شده بوده که در حال حاضر اثری از هیچ‌کدام آن‌ها باقی نمانده، وجود داشته است (تصویر ۴۱). در بالای نقاشی‌ها، قاب‌بندی وجود دارد که علاوه بر تزیین باعث سبک‌سازی دیوار و عدم یکنواختی آن شده است. در دو جبهه‌ی شمالی و جنوبی ایوان اصلی آرامگاه بابتوکل، تاقچه کار شده که با قاب‌بندی مزین شده است. در قسمت پوشش ایوان (تاق و تویزه) بخش تویزه با گچ ضخیم و قوس‌های تزیینی، گچبری و پوشانده شده است (احتمالا دوره قاجار). همچنین نقوش آبی رنگی (دوره صفوی) در زیر لایه‌های گچی بالای ایوان پیداست (تصویر ۴۲). در داخل آرامگاه بابتوکل، در بخش‌های سکنج و زیر گنبد رنگ‌های اخراپی (دوره تیموری) باقی مانده است. سکنج‌ها را با گچ به گوشه‌سازی فیلیوش تبدیل کرده‌اند. در پای گوشه‌سازی، الماس تراش (ارابه گچی که حالت چندضلعی پیدا کند) کار شده است (تصویر ۴۳).



وضعیت حال حاضر ایوان آرامگاه باباتوکل

تزیینات نقاشی در ایوان آرامگاه باباتوکل قبل از تخریب. ماخذ: گزارش ثبتی اثر، ۱۳۸۲.

تصویر ۴۱: تصاویر آهو و پرهای طاووس در بالای در ورودی آرامگاه باباتوکل.



ناقچه و مجبیری‌های نایق و تویزه آرامگاه باباتوکل

نقوش آبی رنگ در بالای ایوان آرامگاه باباتوکل

تصویر ۴۲: تزیینات بالای ایوان ورودی آرامگاه باباتوکل.



تصویر ۴۳: تزیینات مربوط به گوشه‌سازی و پوشش آرامگاه باباتوکل.

درون صدف‌های ضلع شمالی و جنوبی با گچ قاب‌بندی شده (تصاویر ۴۵ و ۴۴) و در ضلع جنوبی و غربی به صورت مهری گچبری شده است. گچبری ضلع جنوبی درون قاب‌بندی وسط، به صورت قالب‌سازی گل‌های هشت‌پر به شکل شمسه در کنار هم گچبری شده و دو کادر گچبری دیگر شامل نقوش گل و بوته و در حاشیه دوم به صورت تکراری آیه «نصر من الله و فتح غریب» قالب‌زنی شده است. (بختیاری شهری، ۱۳۷۴: ۹۹).



تصویر ۴۵: گچبری ضلع جنوبی آرامگاه باباتوکل.

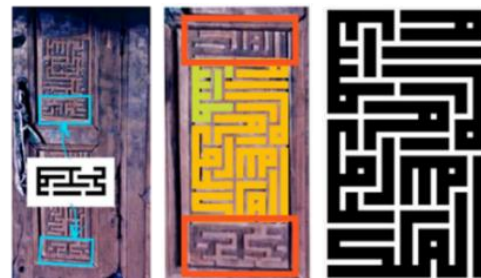


تصویر ۴۴: گچبری ضلع غربی آرامگاه باباتوکل.

صندوق چوبی آرامگاه نیز دارای منبت کاری است و بر روی در آن عبارت «لا اله الا الله الملك الحق المبين» حکاکی شده بود که در حال حاضر وجود ندارد و به سرقت رفته است (تصاویر ۴۶ و ۴۷).



تصویر ۴۷: تصویر کتیبه‌ی در ضریح چوبی آرامگاه باباتوکل در پرونده ثبتی اثر (سمت چپ)، وضعیت فعلی در ضریح چوبی (سمت راست).



تصویر ۴۶: بازخوانی کتیبه در صندوق آرامگاه باباتوکل.

ایوان آرامگاه میرمطهر با قاب‌بندی و تاقچه تزئین و سبک‌سازی شده و در بالای ایوان زیر لایه اندود گچ، با آجرکاری حصیری مزین شده است. در قسمت چپیره با قاب‌های پنج ضلعی و قوس مثلث تخت به صورت رگ‌چین کار شده است.



تصویر ۴۹: تزئینات آجری ایوان ورودی آرامگاه میرمطهر.



تصویر ۴۸: آجرکاری دور چپیره آرامگاه میرمطهر.

تنها شباهت در تزئینات دو آرامگاه وجود درهای منبت کاری شده است که نقش روی آن عینا شبیه هستند. در آرامگاه باباتوکل در ضلع غربی باقی مانده و در آرامگاه میرمطهر در ضلع غربی و ضلع شمالی.



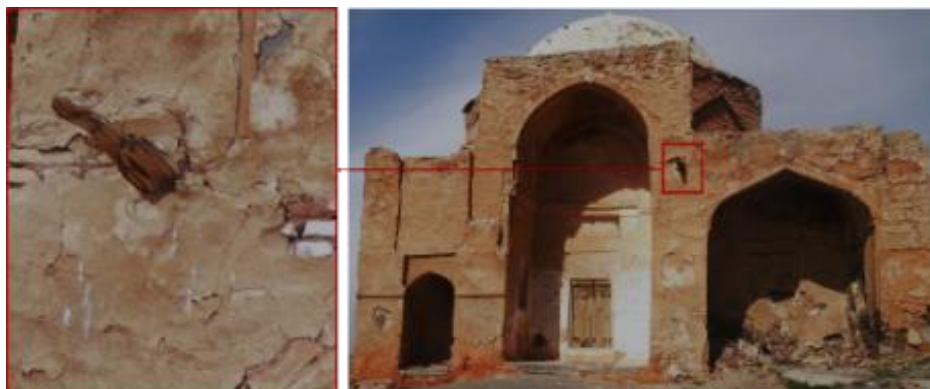
چهار چوب مثبت کاری آرامگاه میرمطهر.

چهار چوب و در ضلع غربی آرامگاه باباتوکل.

تصویر ۵۰: نقوش مثبت کاری شده روی در.

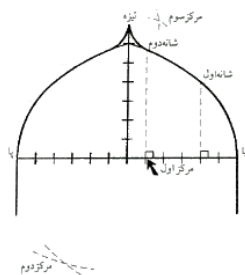
استفاده از قوس‌هایی که در سازه اصلی و اولیه دو آرامگاه کاملاً یکسان هستند، جزو شباهت‌های این دو آرامگاه محسوب می‌شود. با توجه به مطالعه تکنیک ساخت دو آرامگاه، می‌توان اظهار کرد که آرامگاه باباتوکل بافاصله زمانی و زودتر از آرامگاه میرمطهر ساخته شده و نواقصی که در ساخت بنای آرامگاه باباتوکل وجود داشته، در بنای آرامگاه میرمطهر نه تنها تکرار نشده، بلکه اصلاح شده است. در ادامه به شرح مواردی پرداخته می‌شود:

از جمله ایرادات این آرامگاه که باعث بیشترین آسیب به بنا شده است، عدم اتخاذ تدبیر در مهار نیروهای رانشی گنبد آرامگاه باباتوکل بوده است. شکاف و ترک ایجاد شده در ضلع جنوبی و شرقی بنا، به علت رانش گنبد و عدم کلاف‌کشی چوبی یا پشت‌بند رخ داده است. این در حالی است که در آرامگاه میرمطهر این نقص با ایجاد اتصال بین عناصر با استفاده از کلاف‌کشی چوبی و قفل و بست آجرها، با ایجاد سازه‌ای منسجم بر طرف شده است (تصویر ۵۱).



تصویر ۵۱: کلاف‌کشی چوبی در ایوان آرامگاه میرمطهر.

در گنبد‌های دو آرامگاه، از یک قوس یکسان استفاده شده، با این تفاوت که در نحوه اجرا با یکدیگر مغایرت دارند. چفد سه‌قوسی به‌وسیله سه مرکز (سه کمان دایره) ترسیم می‌شود؛ مرکز کمان سوم که تیزه قوس را تشکیل می‌دهد در بیرون قوس قرار می‌گیرد (تصویر ۵۲).



تصویر ۵۲: نحوه ترسیم چفد سه‌قوسی. (مأخذ: رئیس‌زاده و مفید، ۱۳۸۹: ۱۸).

در روند مستندسازی این دو آرامگاه و گنبدهایشان، به این نکته پی برده شد که گنبد آرامگاه باباتوکل دارای این ضعف سازه‌ای است که قوس داخلی گنبد به صورت کامل اجرا شده است (اجرای قوس با سه مرکز). در صورتی که پس از برداشت گنبد آرامگاه میرمطهر این مساله آشکار شد که قوس گنبد از داخل بنا با دو مرکز اجرا و از بیرون به صورت چفد سه‌قوسی و کامل اجرا شده است. این نحوه اجرا باعث به وجود آمدن سطح منظم‌تر و مشخص در بیرون گنبد می‌شود؛ چنانچه با دیدن و مقایسه دو گنبد این مطلب مشهود است (تصویر ۵۳).



تصویر ۵۳: مقایسه قوس اجرایی بیرونی دو گنبد آرامگاه‌های باباتوکل و میرمطهر.

در گزارش ثبتی دو آرامگاه، قدمت ساخت بناها را با توجه به نحوه اجرای ساختمان، طرح و نقشه بنا قرن هفتم هجری قمری به شمار آورده (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کل کشور، ۱۳۸۲) این در حالی است که در کتیبه‌ای بر سنگ سیاه‌رنگ و به خط ثلث که در حال حاضر در مخزن گنجینه میراث خراسان نگهداری می‌شود، به تاریخ ۸۴۸ قمری (قرن نهم قمری) برای ساخت بنا اشاره شده است.

مورد بعدی در آرامگاه باباتوکل راه دسترسی به بام است که راه‌پله‌ای برای آن تعبیه نشده است. در آرامگاه میرمطهر در دو سمت شمال شرقی و جنوب شرقی بنا، راه‌پله ساخته شده که هر دو آن‌ها دارای سطح مقطع دایره و به صورت مارپیچی هستند. راه‌پله‌ها در بدنه اصلی طراحی شده‌اند و از بیرون جز ورودی راه‌پله، دیگر اجزا نمایان نیست. راه‌پله شمال شرقی (تصویر ۵۴) بنا پس از الحاق ایوان کوچک به آرامگاه بسته و در حال حاضر تخریب شده است و راه‌پله جنوب شرقی (تصویر ۵۵) چهارده پله ابتدایی که در خلاف جهت عقربه‌های ساعت است، باقی مانده است.



تصویر ۵۵: راه پله سمت جنوب شرقی آرامگاه میرمطهر.



تصویر ۵۴: راه پله سمت شمال شرقی آرامگاه میرمطهر.

۴- نتیجه گیری

در این پژوهش به مستندسازی دو آرامگاه باباتوکل و میرمطهر در شیوه شکل‌گیری چهارطاقی اولیه و الحاقات آن پرداخته است. دو آرامگاه در دامنه کوه‌های اتقلان بر بستری سنگی ساخته شده‌اند. با توجه به نام قید شده در وقف نامه و مصاحبه با اهالی روستا، آرامگاهی که کاملاً با سنگ ساخته شده مدفن شخصی به نام ابراهیم بن شیخ محلب، ملقب به باباتوکل و آرامگاه دیگر مربوط به شخصی به نام میرمطهر است. با توجه به تاریخ نوشته شده بر روی کتیبه سنگی، آرامگاه‌ها مربوط به دوره تیموری هستند.

بررسی و تطبیق دوره ساخت و ویژگی‌های فنون ساخت دو آرامگاه مشخص نمود که هر چند ساختار کالبدی دو آرامگاه مشابه به نظر می‌رسد، اما بر اساس تفاوت در فنون ساخت و نوع مصالح؛ می‌توان گفت که این دو بنا همزمان با هم ساخته نشده‌اند. نواقص آرامگاه باباتوکل در بنای آرامگاه میرمطهر که پس از آن ساخته شده، تکرار نشده و اصلاح شده است. معمار در ساخت آرامگاه میرمطهر از مصالح متفاوتی به حسب نیاز بهره برده است. کرسی چینی بنا با سنگ لاشه صورت گرفته و برای کنترل و مهار نیروهای رانشی و کششی در قسمت‌های مختلف بنا از چوب استفاده کرده است. اقدام مهم دیگر در آرامگاه میرمطهر استفاده صحیح از چفد سه‌قوسی در ساخت گنبد است.

در جهت ارائه پیشنهاد برای مطالعات آینده در ابتدا و صرفاً برای تکمیل و تدقیق مطالعات صورت گرفته و برای دستیابی به موارد نامشخص آرامگاه‌ها، چون پی بنا، نحوه اجرای طاق‌ها و وجود سنگ قبر یا سردابه، پیشنهاد استفاده از فنون غیرمخرب (از جمله دوربین حرارت‌سنجی مادون قرمز و رادار نفوذکننده به زمین) برای شناسایی لایه‌های پنهان درون سازه و زیر زمین و در مرحله بعد گمانه‌زنی و آزمایش ارائه می‌گردد؛ اما در جهت تدوین مبانی مداخله بر اساس فهم صحیح و جامع از اثر لازم به ذکر است که این مطالعه تطبیقی می‌تواند راهی جدید برای فهم تفاوت‌های معماری در حوزه‌های مشابه با مطالعه سیر تحولات ابنیه بگشاید. عمده آثار تاریخی معماری ایرانی دارای دوره‌های مختلف ساخت هستند، در همین دوره‌ها نیز می‌توان سیر تحولات ساختاری معماری را مشاهده کرد. مداخله در بنایی دارای مشخصه فوق‌الذکر، مبانی و فونونی عمیق‌تر و پیچیده‌تر از بنایی که در یک دوره زمانی واحد شکل گرفته طلب می‌کند. بر همین اساس علاوه بر مطالعه دوره‌بندی تاریخی-کالبدی بناهای تاریخی معماری ایرانی و بررسی سیر تحول آن‌ها، تدوین مبانی نظری مداخله با توجه به این خصوصیت مهم آثار پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- Abedi, Mehdi and Dazhand, Gholamhasan. (2018). Historical history of tomb buildings and holy places in Iran during the Islamic period (a case study of holy places in Kohgiluyeh province and Boyer Ahmad. History, politics, and media research journal. 1(4), 493-512.
- Afshar, Iraj. (2017). Gologasht Dar Watan (travel book). Tehran: Akhtaran.
- Asadi, Elaha, (2013). Babalanger Village Leader Plan, Khorasan Razavi Islamic Revolution Housing Foundation, Rural Development Deputy, Technical Affairs Office.
- Bakhtiari Shahri, Mahmoud. (1995). Master's thesis in the field of archeology "Introduction of the religious-historical complex of Babalanger in connection with the historical monuments of the Neishabur servitude region and Yam Sabzevar valley". The University of Tehran.
- Blair, Sheila, and Bloom, Jonathan. (1948). Islamic Art and Architecture in Iran and Central Asia: Ilkhanate and Timurian Period, Volume 1, translator: Mohammad Musa Hashemi Golpaigani (2013). Tehran: Printing and Publishing Organization of Islamic Culture and Guidance.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1939). Dehkhoda dictionary. Tehran: Amir Kabir.
- Ebrahimi, Elahe. (2019). A descriptive study of the architecture of Timurid era tombs. Specialized Scientific Quarterly of Religious Culture Approach. 2(6), 116-136.
- Ebrahimi, Elahe. (2018). Investigation of Timurid period architecture (with emphasis on mosques and schools). Specialized scientific quarterly of religious culture approach. 1(4), 136-159.

- Ebrahimidoost, Mohammad Ali and Abdullahzadeh Thani, Mohammad. (2007). Khoshab (cultural, geographical, and historical background of Khoshab). Sabzevar: Omid Mehr.
- Ebrahimidoost, Mohammad Ali and Abdullahzadeh Thani, Mohammad. (2009). Sultanabad Negin Khoshab. Sabzevar: Omid Mehr.
- Faridi Majid, Fatemeh and Malekpour, Najmeh. (2009). History of Iran's country divisions 2006-1906. Introduction, preparation and final review: Hassan Habibi. Publications: Iranology Foundation.
- Geographical Organization of the Armed Forces, Geographical Culture of the Country's Settlements, Razavi Khorasan Province, Sabzevar City, Publications of the Geographical Organization of the Ministry of Defense and Support of the Armed Forces. (2005).
- Gholami, Gholamhossein. (2014). Investigating the architectural features of the Timurid tomb of Khosrowieh, North Khorasan, with an emphasis on recognizing the course of physical evolution. Scientific Quarterly Journal of Promotion. 66(35), 97-114.
- Hooshyar, Farimah; Heydari, Dariush and Hemat Zadeh, Saeed. (2020). A Study on the Methods of Weight Lightening of Vaults in Historical Buildings. Athar. 41 (2), 130-155.
- Hassanzadeh, Soheila. (2018). Goharshad Begum is a role model of a migrant woman. Two specialized scientific quarterly "Women's Research Studies". 5(8), 91-114.
- Jafarian, Rasool. (1994). Islamic heritage of Iran. The sixth volume. Publisher: Public Library of Hazrat Grand Ayatollah Marashi Najafi.
- Khannikov, Nikolai Vladimirovich. (1996). Khanikov's travelogue: trip report to the southern part of Central Asia. Translation: Aqdas Yaghmai and Abu al-Qasim Baignah. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Memarian, Gholamhossein. (2017). Iranian architecture. Soroush Danesh
- Maiel Hervey, Noble. (1996). Anchor. Kalk Tir, Mardad and Shahrivar, numbers 76, 77, 78 and 79.
- Raeeszadeh, Mahnaz and Mofid, Hossein. (2010). Revival of the forgotten arts (basics of traditional architecture in Iran according to Professor Hossein Lorzadeh). Tehran: Molla.
- Rahimnia, Reza; Mahmoudzadeh, Amin; Tehrani, Farhad and Zamanifard, Ali. (2012). Recognition of Vernacular Architectural Practices in the South of Khorasan, an Approach for Conservation and Restoration of Earthen architecture. Housing and village environment. 32 (142), 19-22.
- Rasouli, Ehsan; Etesam, Iraj and Matin, Mehrdad. (2020). The Style and Architectural Decorations of Timurid Structures. Scientific Research Journal of Islamic Art Studies. 16(37), 110-128.
- Sani al-Douleh, Mohammad Hassan Khan. (1922). Matlaal-Shams (in the detailed history and geography of the lands and places of Khorasan). With an introduction: Teimur Borhan Limodehi (1983). Tehran: Yesavali.
- Tavousi, Mahmoud; Shekhari Niri, Javad and Behloli Niri, Behzad. (2015). Cemetery Monuments with Eight Half-Plan in the Cultural Scope of Iran. Two Quarterly Journals of Architectural Thought, 1(1), 24-38.
- Wahdattalab, Massud and Ghadimzadeh, Somayyeh. (2018). The Study of Formal Elegance in the Iranian Domed Squares (Ninth to Twelfth Hijra Centuries). Journal of Honar-ha-ye-ziba memari-va-shahrsazi. 23(3), 27-40.
- Wilber, Donald and Glembeck, Lisa. (1995). Timurid architecture in Iran and Turan. Tehran: Iran's Cultural Heritage Organization.
- Wilber, Donald. (1986). Islamic architecture of Iran during the Ilkhanian period. Tehran: Scientific and Cultural.
- Yate, Charles Edward. (1986). Khorasan and Sistan: Colonel Yate's travelogue to Iran and Afghanistan. Translated by Ezzatalah Roshani Zafferanlou and Mehrdad Dahbani. Tehran: Yazdan.
- Zomorshidi, Hossein. (1994). Arch and arch in Iranian architecture. Tehran: Keihan.